



۲۰۲۱/۱۲/۱۸



خلیل الله معروفی

جبهه مقاومت "فی لی لی فس" با شنگهائی از طنز

وقتی در اوایل آگست امسال "طالبان" به تهاجم روی آوردند و در مدت ده روز، تمام ولایات افغانستان را یکی پی دیگر در تصرف خود درآورده و به دروازه های کابل رسیدند، و پنداران در تشویش و اضطراب به سر میبردند و میترسیدند، که مبادا در کابل "جنگ مغلوبه" در بگیرد و "چشم و چراغ وطن" به "تلّ خاکستر و خاک" مبدل گردد. همان بود، که "داکتر اشرف غنی" خلاف انتظار همه، پای به فرار نهاد و "طالبان" به تاریخ پانزدهم آگست ۲۰۲۱ بدون جنگ اما گویا "فاتحانه" و "مظفرانه" وارد کابل شده یکسره "ارگ شاهی ثَمّ جمهوری" را تحت تسلط خود درآورده و نگذاشتند، که کوچکترین "خلأ قدرت" به وجود آید. این، که فرار "اشرف غنی" واقعاً کاری سنجیده و حکم "کشت و مات" به امریکا و سیاستگران و سیاستبازان وطنی را داشت، هنوز کاملاً روشن نشده است. نویسنده عمیق نظر افغان، جناب "محمد نعیم بارز"، این کار را عندی میداند، که از روی تدبیر "داکتر اشرف غنی" به وقوع پیوست و بدون این، که "بینی کسی خون شود" و به اصطلاح ایرانی "آب از آب تکان بخورد" و بدون این، که شهر بزرگ و نازنین "کابل" آسیب ببیند، قدرت دولتی در دست "طالبان" انتقال کرد....

جالب است، که "طالبان" بلافاصله پس از احراز قدرت و به مجرد نشستن بر مسند حکومتداری و مملکتداری افغانستان، "ختم جنگ" را اعلان کردند؛ ولی کسی نپرسید، که "ختم جنگ با که؟؟؟" چون در افغانستان تنها جناح "جنگ طلب" خود "طالبان" بودند!!! پس باید نتیجه بگیریم، که طالبان "ختم جنگ با خود" را اعلان کردند و این چیز دیگری نیست، غیر از فحواى همان ضرب المثل مشهور و قدیم کابلی، که:

«روبا ره گفتند شاهدت کو؟ گفت: دمیم!!!»

(روبا را گفتند، شاهدت کو؟ گفت: دنیم!!!)

بنابراین میتوان نتیجه گرفت، که "طالبان کرام" در واقع با "دُمب مبارک" خود آشتی کردند!!! تسخیر شتابان و تصرف برقاسای افغانستان به دست "طالبان"، همه سیاستمداران دنیا را گیج کرده بود؛ چون حتی دستگاههای مخوف و ظاهراً "از همه چیز آگاه" استخبارات غرب هم پیش بینی چنین فتح "طرفه العینی" را نمیکردند. به هر صورت قسمی، که دیدیم، امور چنان گذشت، که همه مات و مبهوت گشتند و حتی "طالبان" هم انتظار چنین موفقیت و ظفر مفت و "غافلگیرانه" را نداشتند!!!

در حالی، که تمام وطن زیر سیطره طالبان درآمده بود، تنها "لسوالی پنجشیر" - این "سنگر زورگویی و قاچاق" - که به زور نام "ولایت" را کسب کرده است، دست نخورده باقی مانده بود. زورگویان عاری از مال اندیشی و بدون آزر، "پنجشیر" را "تسخیرناپذیر" یا "غیر قابل تسخیر" اعلان کردند و "مسعود چوچه"؛ یعنی "احمد مسعود"، فرزند "احمدشاه مسعود"، که به اصطلاح ایرانیان، "اطوار و حرکات پدرا نه را درمی آورد"، علم و پرچم و بیرق مخالفت و گویا "مقاومت" را بالا کرد؛ و از همه طرفه تر این، که این "جوان خوشباور" - ولی در واقعیت امر، ایادی و انصار مفتخوارش - "دار و دسته" خود را "جبهه مقاومت ملی افغانستان" تاپه زدند و از ممالک دور و نزدیک خواستار "کمک نظامی" گشتند. تاجکستان و زعیم لایعقلش "امام علی رحمانوف" و رئیس جمهور مقنن و فلوته باز فرانسه، "امانوئل مکرون" و عده هرگونه کمک را برایش دادند و اضلاع متحده امریکا و به گفته شیرین فرانسوی، "اتازونی"، حتی دفتری برای چنین "جبهه مقاومت ... " در واشنگتن دی سی باز کرد.

باری در صفحه ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۱ مناظرات وبسایتهای محبوب "آریانا افغانستان آنلاین" و "آریانا افغانستان" چنین نوشته بودم:

خلیل الله معروفی: says

سپتامبر ۱۳, ۲۰۲۱ در ۸:۴۷ ق.ظ

جنگ "قاچاقبران زمره و لاجورد" بر سر چیست؟؟؟

تاریخ شاهد است، که با تهاجم امریکا بر افغانستان و رفته شدن رژیم طالبان، قوای هزیمت یافته جبهه شمال در رکاب امریکا درآمده و به حیث "پیاده نظام" و در واقع به حیث "شاطر شیطان" در خدمت ایشان قرار گرفتند. همان بود، که با پدید آمدن چهره جدید دولتمداری و حکومتداری در وطن، همه پوستها حساس و پردرآمد در داخل و خارج افغانستان در انحصار همین مفتخوران و ... درآمد. "سقوها"، یکشنبه "قومندان" شدند، "لندهورهای" بیمایه و بی مغز و بی کله، "مارشال" و "جنرال" و "وزیر" و "رئیس" و "سفیر" و ... گشتند و ...

نویسنده حقوقی و بیحد با درد وطن، جناب "عارف جان عباسی"، در زمینه چنین نگاشته بود:

محمد عارف عباسی: says

سپتامبر ۱۰, ۲۰۲۱ در ۱۲:۲۱ ق.ظ

نوشته زیر توسط ایمیل از درون وطن برایم فرستاده شده که بدون تصرف در صفحه فیس بوک خود اقبال نشر بخشیدم.

چرا قیام؟؟؟ و برای چه بجنگیم؟؟؟

برای اینکه شما در عیش و عشرت بمانید، و امتیازات تان پا برجا بماند؟ ما بمیرم ولی قهرمانان شما محسوب گردید؟ بجنگیم تا تمام پسران قدرتمندان در کشورهای جداگانه دیپلومات بلندرتبه باشند و دیگر جوانان کشور از بیکاری ترک وطن کنند؟

بجنگیم تا پسر مارشال فهیم به یک لک دالر اسپ بزرگشی و بیست هزار دالر سگ جنگی بخرد ولی یتیم وطن نان خوردن نداشته باشد؟

بجنگیم برای اینکه تو باید امتیازات هر نظام را بگیری ولی هیچگاه نظام را از خود ندانی؟

بجنگیم برای اینکه معیارات مشروعیت هر نظام برای تو گرفتن وزارت ها، سفارت ها و ولایات است، تا از آنها مستفید شوی؟

بجنگیم برای اینکه ولایت تو پناهگاه امن برای مفسدین چون کرام الدین کرام و دزدان بیت المال باشد؟
بجنگیم تا زمرد که مال ملت است توسط چند تن در بازارهای فرانسه و روسیه فروخته شود و به جیب همان چند تن بیافتد؟

بجنگیم تا برای همیشه بیسواد بمانیم و فارغ صنف ششم و کلینرهای تو جنرال باشند؟
بجنگیم تا برای همیشه قراردادی های تمام ارگان های دولتی از نزدیکان تو باشند و در صورت افشا شدن دزدی شان به خاطر راحت در همان منطقه مصئون باشند؟

بجنگیم تا تو در قدرت باشی و نزدیکان ات مصروف دزدی، زورگویی، چپاول و اختطاف باشند، و در صورت دستگیری آنها را از زندان رها بسازی؟

و جنگیم و بجنگیم چرا که امتیازات را تو خواهی گرفت، و اگر کشته شد، خیر است اولاد غریب کشته خواهد شد؟
و بجنگیم اگر وفات شدی مقبره میلیون دالری با پول بیت المال برایت ساخته شود و اگر زنده بودی از پول قاچاق زمرد و بخششی های خارجی ها صاحب زندگی پر از عیش و عشرت خواهی بود.
ولی اگر ما کشته شویم اولاد و خانم مان گدایگر و اگر زنده ماندیم باز هم همان اولاد غریب، که برای تو بی تفاوت است؟.

#هموطنان_عزیز_بیدار_شوید!

جنگ بس است دیگر فریب اینها را نخورید. از این به بعد هر کاری که میکنید به خاطر افغانستان بکنید.
تا که ما یک ملت واحد نشویم همین قسم بدبخت میمانیم. بیائید از تجربه این چهار دهه درس عبرت بگیریم و به این معامله گران نه بگوییم و از جنگ بی زاری بجوییم و گرنه سرنوشت مان بدتر از کشورهای همچون سوریه، عراق، لیبیا و یمن و ... در آینده خواهد بود.

حدیث از تسخیرناپذیری "دره پنجشیر" رفت و این، که این "سنگر طبیعی" گویا در هیچ زمانی مسخر نگشته بود؛ حتی در زمان استیلای "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" بر افغانستان نیز. رویدادها مگر نشان دادند، که "طالبان" این سنگر ظاهراً "تسخیرناپذیر" را در ظرف چند روز معدود فتح کرده و به تمام و کمال در تصرف خود آوردند و دار و دسته قاچاقبران و "شاطران شیطان" را متواری ساختند!!!
نویسنده دلسوز و حقگوی دیگر وطن جناب "داوودجان مومند" قبلاً در زمینه در سراچه مناظرات "آریانا افغانستان" چنین نگاشته بود:

محمد داؤد مومند: says

سپتمبر ۶, ۲۰۲۱ در ۱۱:۵۵ ب.ظ

سنگر تسخیرناپذیر شورای زمرد فروشان نظار و جنایت کاران جهادی سقوط کرد.
دو سه روز قبل پوتین گفت که ما تمام افغانستان را اشغال نمودیم ولی نتوانستیم دره پنجشیر یا آنچه را ما دره جهنم نامیده بودیم اشغال کنیم.

امروز طالبان این به اصطلاح دژ تسخیر ناپذیر را با قوت ایمان در ظرف کمتر از یک هفته اشغال نمودند و بچه قهرمان خیانت و جنایت و هم چنان امرالله نا صالح و بسم الله محمدی لافوک و باتوک و گ...ک را مجبور به فرار ساختند.

قهرمان کاغذی پنجشیر و هم چنان بحران الدین جنگانی لعنت الله، در زمان هجوم طالبان سوار بر موترهای پیکپ، با داشتن تمام تجهیزات نظامی در نیمه شب از کابل فرار نمودند و تنبان های خود را از ترس تر کردند. بچه موش بزرگ پنجشیر چند روز پیش ادعا نمود که تا مرگ استادگی خواهند نمود. ولی طوریکه من در نوشته هایم پیش گویی نموده بودم این رهبران بی ننگ شورای نظار و ایجنت های قدرت های خارجی مانند قهرمان پوپکی، احمد شاه مسعود در طیاره های از قبل تعبیه شده پا به فرار گذاشتند.

پنجشیر یگانه منبع نور لرزان و نحیفی بود که به نام مبتدل مقاومت دوم، جانان جهادی جمعیت، ستم، پرچم و شورای نظار و حامیان مارشال جنایت و خیانت رشید دوستم، محقق ملعون، تورن اسمعیل ایجنت ایران و غیره شرف باختگان را امیدوار میساخت که در روشنی آن با زعامت جدید طالبان برای تمدید قدرت شیطانی خود چنه زنی و استفاده نمایند. اکنون با سقوط شرم اور پنجشیر و انقطاع نور لرزان متذکره تمام این شرف باختگان در تاریکی مطلق ناامیدی قرار دارند. خداوند منتقم حقیقی است و سر انجام انتقام مردم مظلوم افغانستان را از این فرعونان، نمرودان و ابوجهلان که دعوی خدایی میکردند گرفت.

عجب اینکه بادران ایرانی شان نیز امروز در غم و سوگ کشته شدگان حامی این جنایت کاران گریه سر دادند و از ایشان به نام «افغانستانی» یاد نمودند. به احتمال قوی این موش های سه گانه فعلاً به تاجکستان فرار نموده اند.

این جنایت کاران حرفوی با اعلان مقاومت دوم، یک خدمت غیر شعوری و غیر عمدی بزرگی را به مردم افغانستان انجام دادند و آن اینکه با مقاومت مبتدل به اصطلاح دوم خود، طالبان را مجبور ساختند که به عون الله، پنجشیر را کاملاً تسخیر و پاک از این کرگسان مردار خور و خوکان گندیده سازند. و به این ترتیب مردم بیچاره پنجشیر را از پرغمل این عناصر کثیف رهایی و نجات دهند.

منجنيق آه مظلومان به صبح

سخت گیرد ظالمان را در حصار

دوست عزیز و دانشورم، جناب داکتر صاحب "میر عبدالرحیم جان عزیز"، که تحلیلگر کم نظیر مسائل سیاسی استند، در زمینه مقاله جالبی در سایت معزز "آریانا افغانستان آنلاین" منتشر ساختند، که از لنک ذیل قابل دریافت است و اسرار و کیف و کان "فتح پنجشیر" را فاش میکند:

http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Aziz_M_Abdurahim_Asrar_Ghayer_Wagee_Sheer.pdf

دولت های غربی و در رأس همه به گفته آیت الله خمینی - "شیطان بزرگ" - مقمّمه یک "جنگ عظیم داخلی" را در افغانستان چیده بودند و این ایام را با ختم روزگار "داکتر نجیب الله" به موازات میکشیدند. بیرون کردن و تخلیه شتابزده و سراسیمه سفارتخانه ها و نمایندگیهای غربی و اتباع غرب از کابل، در واقعیت امر و با "دقیقترین تحلیل"، چیز دیگری نبود، جز "محرك و مشوق" و به اصطلاح، "پای روانک" چنین یک "جنگ خانمانسوز داخلی". رویدادها

مگر نشان دادند، که این تکتیک مخرب غرب اینبار به مانند دوره پس از "داکتر نجیب الله" کارساز نیفتاد و طالبان تمام جزائر "قدرت و مقاومت" را از بین بردند و منهدم ساختند

بلی خواننده و وطندار گلم؛ این همه توطئه‌های مفتیان دور و نزدیک و شرق و غرب، هیچ درد "گروه زورگویان و قاجاقبران" را دوا کرده نتوانست و لاف و پتاق و عُز و فُش زندهای "مسعود کوچک" و ظلمه اش هم دیر نپائید و روزی رسید، که حدیث معروف و خنده‌آور "فی لی لی فیس" در حقشان مصداق پیدا کرد.

این نکته مگر تنها منحصر به "جبهه فی لی لی فیس" پنجشیر نی، بلکه دامنگیر تمام "جزائر قدرت" نیز میشود، که در وجود "رشید دوستم و عطاء محمد نور و محمد محقق و کریم خلیلی و عبدالرب رسول سیاف و ... " تجسم یافته و یک ملت مظلوم و نظام دولتی را گروگان گرفته بودند!!!

کاش «به جهنم رفتگان» هم زنده میبودند، تا عین سرنوشت "الله گل مجاهد" را میدیدند؛ پشت و پهلویشان از تازیانه دوزبانه طالبان "دُر نه دُر نه" میشد و دل مظلومان رنجیده و دردرسیده وطن یخ میگرد!!!

در سال ۱۹۹۶ هم چنین "جبهه قاغذی" بی به مقابل "تحریک طالبان" ایجاد شده بود، به نام "جبهه متحد ملی"، که در برابر "طالبان" تاب آورده نتوانست و نتیجه اش جز "فی لی لی فیس" نبود!!! و اگر تهاجم بی‌امان و به گفته ایرانیان "فُلدرمنشانه" اضلاع متحده امریکا؛ یعنی Uncle Sam به سر وقت ایشان نمیرسید، سران این جبهه نام نهاد رهسپار "دریای آمو" میگشتند!!!

در همان ابتدای تسلط مجدد طالبان بر افغانستان تعداد کثیری از وطنداران به علل موجّه و شاید هم غیر موجّه، به "گریز گریز" افتادند و به ممالک دور و نزدیک پناه بردند. در کلیپی، که همان زمان در یوتوب دست به دست میگشت، خواننده جوان و خوش طنین افغان، آقای "فهیم فنا" را در تاجکستان نشان دادند، که ترانه معروف "سرزمین من، خسته خسته از جفائی" را میخواند. وی این ترانه را از ستیجی عظیم و تالاری باشکوه و در پیش روی جم غفیری از مردم - متشکل از تماشاچیان و هنرمندان و سیاستمداران تاجکستان - میخواند و عکس‌عملی را، که انتظار داشت دَر و میکند. چنان، که زن و مرد به گریه و به گفته عوام کابلی، به "فِرَق زدن" می‌افتند و "امامعلی رحمانوف" میگوید:

«ما افغانستان را تنها نمیگذاریم!!!»

همان کلیپ را در معرض عیادت خوانندگان عزیز میگذارم:

<https://www.youtube.com/watch?v=εHiUKhpKuwY>

این ادعای "امامعلی رحمانوف" مگر کلانتر از آنست، که در دهان کوچک این زمامدار آماتور بگنجد. مغز کاواک این سیاستباز "خالی ذهن" درک کرده نتوانسته بود، که وقتی لا و لشکر امریکا و ممالک پیمان ناتو در برابر طالبان زانو زدند و به اصطلاح شیرین عوام کابلی "آمانا پُشتِ دِست" گفتند، تاجکستان "بی‌زبان" چه باشد، که لاف زباناوری و زبانبازی بزند؟؟؟

این لاف و پتاق "امامعلی رحمانوف" شباهت عامّ و تامّ به اعلان جنگ کشور "ایران" به مقابل "المان نازی" میرساند و بگذارید، که قصه اش را بکنم:

در بُجوحه جنگ عمومی دوم - و فکر کنم در سال ۱۹۴۲ یا ۱۹۴۳ بود - که کشور "ایران" به اثر فشار دولتهای امریکا و انگلستان، به مقابل "المان نازی" اعلان جنگ داد؛ و میدانید، که جواب دولت المان نازی چه بود؟؟؟

جواب دولت المان هیتلری را از زبان وزیر لنگ ولی زرنگ - و بی اندازه زیانآور و خطرناک - تبلیغات همان زمان رایش سوم، "یوزف گوبلز" بشنویم:

"دوکتور یوزف گوبلز" Dr. Josef Göbels از پارلمان "المان امپراتوری"؛ یعنی "رایشستاک" Reichstag چنین اعلان کرد، که:

«اعلان جنگ ایران به مقابل المان مثل آنست، که ایران اصلاً اعلان جنگ نداده باشد!!!»

این جواب کوبنده و دندان شکن "المان نازی" به مقابل "دولت ایران"، هنوز هم تار و پود "تاریخ سیاست ایران" را می لرزاند!!!

و حالا "رئیس جمهور تاجکستان" هم برمیخیزد و میفرماید:

«ما افغانستان را تنها نمیگذاریم!!!»

جواب خود بخود قابل درک و دریافت است؛ یعنی:

پشتیبانی کردن تاجکستان = پشتیبانی نکردن تاجکستان

وقایع و رویدادهای بیست سال گذشته حکایت از رویارویی بیرحمانه "کوئوال جهان" و ابرقدرت یکه تاز روی زمین با یک گروه "سختس و متحجر ولی از جانگذر" دارد و شکست مفتضحانه اولی از دومی؛ و

- "قرارداد دوحه" چیز دیگری نیست، غیر از "سند شکست امریکا در برابر طالبان"

- و "گریزگریز" قوای امریکائی و ممالک عضو پیمان اتلانتیک شمالی از "میدان هوایی کابل"، روی دیگر این "سکه شکست" را نشان میدهد!!!

امریکای مفتن و "ضعیف گش"، که در میدانهای جنگ بیست ساله به مقابل طالبان شکست خورد، حالا انتقام این شکست شرمآور و مفتضحانه را، از مردم بی دفاع افغانستان میگیرد و با مسدود ساختن دارائیهای ده ملیارد دالری مردم افغانستان، در واقعیت امر، یک "ملت زجر دیده و هردم شهید و مظلوم" را مجازات میکند!!!

امریکا، که در میادین جنگ بیست ساله فرسایشی در برابر طالبان زمینگیر گشت، حالا به اصطلاح شیرین ولی کوبنده و گزنده عوام کابلی، "درد کون را از شقیقه میکشد!!!"

"دور از جان" طالبان کرام و "هفت کوه سیاه در میانه" گفته و همان ضرب المثل بسیار معروف و مشهور مردم قدیم و ذهین کابل نازنین را بر زبان می آورم، که گوید:

«زورش به خر نمیرسه، میزنه ده پالانش!!!»

"امریکای انتقامجوی"، که در عرصه سیاست و نظامیگری شکست خورد و روی و آبروی خود را در پیشگاه تاریخ از دست داد، حالا انتقام شکست خود را از "مردم مظلوم و بی دفاع و زجر کشیده افغانستان" میگیرد؛ یعنی از مردمی، که در "تمام ادوار تاریخ مزه فقر و درد و رنج و مرض و هردم شهیدی" را چشیده اند!!!

زمانی ابرقدرت ملعون و مستبد و استثمارگر دیگری به نام "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" بر وطن تاخت و ده سال تمام به کشتار و مغضوب کردن مردم سرزمین پرداخت. عاقبت کار را مگر همه دیدیم؛ و به چشم سر دیدیم، که چگونه استخوانهای آن ابرقدرت مغرور شکست و با سرافکندی وطن را ترک کرد. نتیجه آن شد، که نه تنها آن قلمرو اهریمنی و شیطانی به مراتب بزرگتر از "امریکا + اروپا + چین"، به مفهوم واقعی آن "شانزده پله" گشت، بلکه نیمی از اروپا نیز از شر نجات یافت. دیده شود، که "ابر قدرت یکه تاز و زورگوی اضلاع متحده امریکا" - که آفتاب در

قلمرو نفوذش به معنای واقعی کلمه، غروب نمیکند - هم بعد ازین ناکامی و شکست سیاسی و نظامی، چه وقت از مصطبه "سیادت جهانی" پائین می افتد و پله پله میشود!!!



در تاریخ خوانده ایم، که پیامبر اسلام، "حضرت محمد مصطفی" بعد از بعثت، به زمامداران قدرتمند جهان نامه فرستاد و ایشان را به دین اسلام دعوت کرد. در تاریخ همچنان مذکور است، که در حالی، که امپراتوران "حبشه" و "روم شرقی"، سفیران پیامبر را آبرومندانه و با احترام خاص پذیرفتند و دعوت رسول خدا را به گوش هوش شنیدند، امپراتور مغرور ساسانی - خسرو پرویز - "نامه پیغمبر خدا" را پاره پاره کرد و سفیر پیغمبر را با بی ادبی تمام از دربار خود راند. در کتب تاریخ این نکته هم آورده شده، که وقتی خبر "پاره پاره کردن دعوتانه پیغمبر" را آوردند، "پیغمبر خدا" آه سرد از دل پردرد کشید و دست دعاء بالا کرد، که:

«خداوند مملکتش را پاره پاره کند!!!»

دیر نپائید، که سپاهیان اندک - ولی سرسپرده و فداکار اسلام - تحت قومندان "سعد بن وقاص"، لشکر انبوه و قهار فارس ساسانی را در "قادسیه" در هم کوبیدند و این سراغاز شکست یک امپراتوری مغرور و سرزور آن زمان بود. تاریخ شاهد است، که کشور سرکش و از خود راضی "فارس" بعد از آن به گفته شیرین عوام ما "آب خوش نخورد" و "روی خوبی ندید" و نه قرن تمام - آری؛ نه صد سال تمام - را "در حال تجزیه و زیر سیطره ممالک همجوار" بسر برد، تا این، که "دولت مقتدر صفوی" روی کار آمد و "تمامیت ارضی" کشور متلاشی و پاره پاره شده "فارس" را احیاء کرد!!!

یادآوری:

آنچه از "راست و دروغ" را خوانندگان عزیز این صفحه گرامی در سطور بالا از نظر مبارک خود گذشتانند، به تاریخ ۳ دسمبر ۲۰۲۱ رقم زده بودم، مگر خودم هم نمیدانم، که چرا «امروز و صباح» گفته و از نشرش دوری گزیدم. خواننده عزیز و پوزشپذیر شاید این "بهانه قاغذی" را نیز به حساب "شنگی از طنز" قبول فرماید!!!



برای مطالب دیگر خلیل الله معروفی روی عکس کلیک کنید

